



پژوهش‌های پردازش داده در ایران

مجموعه مقالات

سومین همایش

انجمن علوم سیاسی ایران

به اهتمام: دکتر محمد علی شیرخانی

دکتر مازنده‌انا نیشه بار

فهرست مطالب

سخن آغازین	۳
روش پژوهش کیفی: بنیادهای نظری و کاربردهای عملی/ دکتر قاسم افتخاری	۷
پسasیاست، پسانظریه و پساروش / محمد رضا تاجیک	۳۵
جای خالی پژوهش‌های تجربی در علوم سیاسی ایران / کاوهس سید‌امامی	۵۹
نقد علم‌گرایی به معنای گریز از روش نیست / حسین سلیمانی	۷۹
نظریه ایرانی روابط بین‌الملل: موانع و راهکارها / امیر محمد حاجی‌یوسفی	۹۷
نگاهی به جایگاه و کارویژه روش پژوهش پست‌مدرن در علوم سیاسی در ایران / حسین‌علی نوذری	۱۴۷
پیشنهاد بنیان‌گذاری گروه درس‌های روش‌شناسی در دوره کارشناسی علوم سیاسی / محسن خلیلی	۱۹۱
پیشنهاد درس جدید «سیاست‌شناسی مشاوره ای» (سودمندی اجتماعی کاربرد دانش سیاسی) / مرتضی منشادی	۲۴۵
پژوهش‌های علم سیاست و فرایند تصمیم‌گیری در ایران: آسیب‌شناسی و روش پیوند / حیدر سینایی	۲۶۳
رویکردی سیستمیک به آسیب‌شناسی پژوهش و دسترسی به اطلاعات در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران / امیر‌سورج مصطفوی	۲۸۳
عوامل مؤثر بر کیفیت علمی رساله‌های دکترای علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران / ابوالفضل دلاوری	

پیشنهاد درس جدید «سیاست‌شناسی مشاوره‌ای» (سودمندی اجتماعی کاربرد دانش سیاسی)

مرتضی منشادی

چکیده

جامعه‌شناسی سیاسی با تأکید بر مطالعه رفتار انسان در زمینه اجتماعی، تلاشی است برای پیوند زدن و سیطره بر دو علم سیاست و جامعه‌شناسی. در واقع، شناخت و تحلیل شکاف‌ها و یا تعارض‌های اجتماعی، از موضوع‌های اصلی جامعه‌شناسی سیاسی معاصر هستند. در مقاله حاضر تلاش شده است تا ضمن بررسی مشکلات کشورهای در حال توسعه و تاثیر سیاست بر پاسخگویی به مشکلات آنها، به بررسی ویژگی‌های رشته‌ای پیشنهادی تحت عنوان «سیاست‌شناسی مشاوره‌ای» به عنوان تلاشی برای شناخت بهتر کنش‌های سیاسی افراد پردازد. به زعم نویسنده، این رشته مطالعاتی نه تنها برای سهولت و سرعت در تصمیم‌گیری رهبران و مدیران در سطوح مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه علاوه‌بر آن، هدفش تطبیق نوآوری‌ها با احتیاجات افرادی است که به صورت مستقیم تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند.

* عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد

مقدمه

علم سیاست به دنبال شناخت تضادهای ناشی از مبارزه برای اعمال قدرت و نفوذ در جامعه است. از این منظر، سیاست فرایندی خواهد بود که جامعه از طریق آن منابع و ارزش‌ها را مقتدرانه توزیع، تصمیمات را اتخاذ و خطمشی‌ها را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، سیاست در زمینه‌ای اجتماعی جریان دارد. اما علم سیاست به عنوان رشته‌ای دانشگاهی، تقریباً بی‌توجه به زمینه اجتماعی خود رشد کرده است.

پیشگامان علم سیاست، در ابتدا گرایش آشکاری به مطالعات حقوقی و بهویژه مطالعه قانون و حقوق اساسی و تمرکز بر مطالعه نهادهای سیاسی، بوروکراسی‌های حزبی و دستگاه‌های اداری مرکزی و محلی نشان دادند. بررسی برخی حوزه‌ها مانند فرایندهای انتخاباتی و سیاست‌گذاری و گروه‌های ذی‌نفوذ، بعدها و به تدریج مورد توجه دانشمندان سیاسی قرار گرفت. رفتارگرایی، نخستین بار و نیرومندتر از همه‌جا در امریکا ظهر کرد و بر مشاهده و تحلیل رفتار فردی و گروهی متمرکز شد. در این روش تأکید زیادی بر سنجش دقیق و منظم برای اثبات وجود الگوهای رفتاری شد. این اندیشمندان امیدوار بودند که فرضیه‌هایی در مورد قوانین رفتاری ارائه دهند.^(۱)

کارکردگرایی ساختاری نیز با ادعای اینکه کارکرد دستیابی به هدف، یعنی بسیج منابع و افراد در راستای رسیدن به هدف‌های سیستم (جامعه) به‌وسیله خردنه نظام سیاسی انجام می‌شود، مورد توجه دانشمندان سیاسی قرار گرفت.^(۲) البته دانشمندان سیاسی از این شیوه برای تأکید بر رابطه میان نظام سیاسی و محیط سود برداشت و بر تحلیل درونداد - برونداد متوجه شدند. از این منظر، محیط دروندادهایی به صورت تقاضا به نظام سیاسی می‌دهد و نظام سیاسی با آمایش دروندادها، بروندادهایی به صورت تصمیمات و کنش‌ها تولید می‌کند که با عمل از طریق بازخوردها، تقاضاها و حمایت‌های بیشتری به وجود می‌آورد. آلموند و همکارانش این نگرش را در مورد تحلیل سیاست تطبیقی به‌ویژه در مورد

1. Input - output
2. Feedback loop

کشورهای در حال توسعه به کار گرفتند و سرانجام مفهوم فرهنگ سیاسی را پدید آوردن.^(۳) مارکسیسم، تلاش دیگری بود تا با گردآوری انبوهی از مدارک به شیوه‌ای نظام یافته به نظریه خود مبنی بر تأثیر شیوه تولید مسلط بر رابطه میان افراد، گروه‌ها، اندیشه‌ها و ارزش‌های مسلط در جامعه‌ای معین شالوده محکمی بدهد.^(۴) به همین ترتیب، ماکس وبر با تأکید بر مفهوم «درون‌فهمی»^(۵) مدعی شد که رفتار (کنش) انسانی با درنظر گرفتن انگیزه‌ها و نیت‌های کسانی که به صورت مستقیم در آن رفتار (کنش) درگیرند، بهتر درک می‌شود.^(۶) تلاش‌های اندیشمندانی از پارتو و موسکا، میخان و لاسول گرفته تا میلینیان، کلاوس اوشه و هابرماس در همین راستا انجام گرفته است. دانشمندان سیاسی همواره کوشیده‌اند تا اعتبار و سودمندی دانش خود را نشان دهند. اما نکته مهم آن است که اغلب پژوهش‌های سیاسی، نظریه‌محور و کمتر موضوع‌محور بوده‌اند.

این فرایند شکل‌گیری و رشد، به طور منطقی نه تنها منجر به ادامه اختلاف‌نظر بر سر موضوع علم سیاست شده است؛^(۷) بلکه همچنین توانایی‌های این دانش را برای پاسخ‌گویی به مسائل موجود، مورد تردید قرار داده است.

یکی از ویژگی‌های جوامع امروزی، وجود گروه‌های گوناگون اجتماعی است. این گروه‌ها دارای منافعی هستند که به پیگیری آنها می‌پردازنند. به همین ترتیب، دولت‌های امروزی مجموعه‌ای از امکانات و ابزارهایی را در اختیار دارند که توزیع ارزش‌های قدرت‌بخش را ممکن می‌سازند. دولت‌های امروزی در امور مربوط به دستمزدها، قراردادها، سرمایه‌گذاری، واردات و صادرات، قیمت‌ها و ... اختیارات گستردۀ‌ای دارند و کاملاً منطقی است که گروه‌های اجتماعی به دنبال اعمال نفوذ بر تصمیمات دولت باشند. از سوی دیگر، زمانی که این گروه‌ها منافع خود را در مخاطره احساس کنند، به فعالیت سیاسی و اقدام در برابر دولت کشیده می‌شوند.

تعريف سیاست به عنوان اعمال قدرت و نفوذ در جامعه اگرچه مشکل موضوع را تا حدودی بهبود می‌بخشد، اما مشکل سودمندی آن برای حل مشکلات، همچنان باقی

می‌ماند. سیاست به این طریق در زمینه‌ای اجتماعی بررسی می‌شود، و توجه به چگونگی، شرایط و ویژگی‌های نیروهای اجتماعی و ارتباط میان آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. به این ترتیب، اصلی‌ترین پرسش برای علم سیاست این خواهد بود: چگونه اعضای یک جامعه مسائل خود را با یکدیگر و با محیط خودشان حل می‌کنند؟

علم سیاست در این راستا، مطالعه خود مسائل، وسایلی که می‌توان برای حل آنها به کار گرفت و یا به وجود آورده، عوامل، اندیشه‌ها و ارزش‌هایی که افراد و گروه‌ها را در جهت حل مسائل تحت تأثیر قرار می‌دهند را به عنوان موضوع خود تعریف می‌کند. بدون تردید این نگرش به سیاست، کانون علم سیاست را تغییر خواهد داد؛ اما زاویه دید و شیوه طرح پرسش را تغییر می‌دهد. در اینجا «حکومت» و «نقش حکومت در حفظ نظام» همچنان مورد تأکید قرار دارد. نظام از این منظر عبارت خواهد بود از: تنظیم روابط میان افراد و گروه‌ها و محدود به نظم قانونی نمی‌شود.

همان‌گونه که تأکید شد، زندگی اجتماعی امروزه با سیاست آمیخته است و شرکت در زندگی سیاسی، به بخشی از زندگی در جوامع تبدیل شده است. گسترش شهرنشینی، آموزش همگانی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی، موجب رشد فراینده آگاهی تودها شده است و سیاست به مشغله‌ای عمومی تبدیل شده است. آن گستردگی حوزه‌های مرتبط با سیاست و این اقبال عمومی، به رغم جنبه‌های مثبت، متأسفانه این تصور نادرست را نیز به دنبال داشته است که علم سیاست نیز دانشی سهل و عمومی است. در دنیای امروز، علم سیاست ناگزیر باید وظیفه شناخت زندگی پیچیده اجتماعی را (که هر جنبه آن را علم جدآگاهه‌ای بررسی می‌کند) انجام دهد.

جامعه‌شناسی سیاسی با تأکید بر مطالعه رفتار انسان در زمینه اجتماعی، تلاشی است برای پیوند زدن و سیطره بر دو علم سیاست و جامعه‌شناسی. شناخت و تحلیل شکاف‌ها و یا تعارض‌های اجتماعی، از موضوع‌های اصلی جامعه‌شناسی سیاسی معاصر هستند. تعارض‌های ناشی از تقسیم کار اجتماعی، جنسیت و سن تقریباً همیشه وجود داشته‌اند، اما این تعارضات و شکاف‌ها بر اثر تحولات اقتصادی، آموزشی و اجتماعی تشدید و فعال

می‌شوند. به عنوان نمونه، امروزه گسترش آموزش‌های همگانی موجب حضور زنان در عرصه‌های گوناگون شده و داعیه‌های سیاسی آنان را به دنبال داشته است؛ همچنین آنچه را شکاف نسل‌ها نامیده می‌شود، تشدید کرده است.^(۳)

اهمیت شناخت این شکاف‌ها و تعارضات برای کشورهای در حال توسعه در آن است که با شکاف‌های سنتی همراه می‌شوند و شرایط پیچیده‌ای را به وجود می‌آورند. به عبارت دقیق‌تر، در دنیای امروز دایره مطالعات سیاسی و مسائل مربوط به حوزه سیاست به راستی شگفت‌انگیز است. به کارگیری روش‌های گوناگون در مطالعه و پژوهش‌های سیاسی تأیید‌کننده این مدعای است.^(۴)

الف - مشکلات کشورهای در حال توسعه و تأثیر سیاست بر پاسخ‌گویی به مشکلات آنها

ویژگی برجسته کشورهای در حال توسعه، مشکلات ناشی از نوسازی است. آشکارترین مشکل نوسازی، بروز مشکلات سیاسی و اجتماعی و به‌حالش کشیده شدن مشروعيت نظام سیاسی و اجتماعی در این کشورها بوده است. خشونت در ابعاد گوناگون آن به بخشی از زندگی اجتماعی مردم کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. در حقیقت، توسعه و رشد در کشورهای در حال توسعه، منجر به گسترش پرستاب مشکلاتی شده است که دوران بسیار دشوار تاریخ آنها به‌شمار می‌آید.^(۵) در فرایند رشد و توسعه، عدم توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، ناآرامی‌هایی را به‌بار آورده که در این میان بی‌ثباتی سیاسی بیشترین رنج و مصیبت را به وجود آورده است.

آشکارترین مشکلات کشورهای در حال توسعه، همان مواردی هستند که با کرامت و شرافت انسانی مرتبط هستند. در این کشورها یکی از ارزش‌های اصلی «سیاست»، رفاه است که میزان برخورداری افراد و گروه‌ها از درآمد، کالاهای خدمات، ثروت، بهداشت، ایمنی و آسایش را شامل می‌شود. به همین ترتیب، همبستگی سیاسی و احترام، از ارزش‌های اساسی در این کشورها به‌شمار می‌آیند. منظور از همبستگی سیاسی، علائق منسجمی است که باعث می‌شود افراد در ارتباط متقابل، یکدیگر را درک کنند و با هم

به خوبی کار کنند.^(۱۰) در کشورهای در حال توسعه، کودکان، دهقانان و طبقات عامه مقیم شهرها، بیشترین رنج‌ها را در برابر مشکلات موجود می‌برند.^(۱۱) در توضیح وضعیت این کشورها و بهمنظور جلوگیری از تطویل کلام به موارد محدودی اشاره می‌شود. یکی از جنبه‌های توسعه‌یافته‌گی، فرایند صنعتی شدن و درنتیجه، افزایش درصد نیروی کار در بخش صنعت است:

«هرچه یک کشور به توسعه صنعتی بیشتری دست می‌باید، نیروی کار کشاورزی آن بسیار کارآمدتر می‌شود؛ به طوری که شمار فزاینده‌ای از کارگران روستایی می‌توانند با آزاد شدن، به سمت شهرها حرکت کرده و عهده‌دار مشاغل صنعتی شوند. از این گذشته، خود این کارگران باید با افزایش تولید مواد غذایی و الیاف تأمین شوند. درنتیجه اگر قرار است که بخش صنعتی در یک کشور در حال توسعه رونق باید، بخش کشاورزی آن باید با تعداد کارگران کمتری به تولید هرچه بیشتری بپردازد».^(۱۲)

در کشورهای در حال توسعه اگرچه رشد صنعتی قابل توجه بوده است، اما این رشد را می‌توان نتیجه فقدان صنایع مدرن در این کشورها تا اوایل قرن بیستم دانست. بنابراین سرعت رشد اولیه در ارتباط مستقیم با شروع فرایند صنعتی شدن است. در فاصله سال‌های ۱۹۵۵ تا ۱۹۹۰ میلادی سهم کشورهای در حال توسعه در تولید جهانی تنها از ۶ درصد به ۱۵ درصد رسید.^(۱۳) البته سهم صنایع استخراجی در رشد این کشورها چشمگیر است.^(۱۴) انعکاس چنین وضعیتی، نرخ ضعیف اشتغال صنعتی است. به عبارت دیگر، کشورهای در حال توسعه همچنان دارای اقتصاد کشاورزی هستند.

از سوی دیگر، این وضعیت (شروع فرایند صنعتی شدن) مجموعه‌ای از مشکلات را به وجود آورده که سیاست‌گذاران ناگزیر به حل آنها هستند. رشد فوق العاده سریع جمعیت (انفجار جمعیت)، مهاجرت و جایه‌جایی انبوه جمعیت (چه در داخل و چه به خارج از کشور)، گسترش سریع شهرنشینی، گسترش سواد‌آموزی و آموزش و پرورش و تغییرات فرهنگی ناشی از این دگرگونی‌های سریع، تنها بخشی از مشکلات آشکار به شمار می‌آیند. تلاش دولتها و حکومتها در کشورهای در حال توسعه برای پاسخ‌گویی و حل این

مشكلات، خود به وجود آورنده مشكلات دیگر شده است.

به عنوان نمونه، تلاش برای توسعه و مدرن‌سازی بخش کشاورزی اگرچه نتایج مفیدی به دنبال داشته، اما پیامدهای منفی قابل توجهی نیز داشته است. تغییر نظام کشاورزی منجر به جایگزینی محصولات جدید شد. کشت غلات و گیاهان سنتی و ریشه‌های غده‌ای که اساس تغذیه جامعه به حساب می‌آمدند، در برابر اقلام پربازدۀ که اغلب از کشورهای دیگر وارد می‌شوند، عقب نشستند. کشت اقلام جدید مستلزم خریدهایی مانند بذر اصلاح شده، کود، حشره‌کش، علف‌کش‌ها و آفت‌کش‌هایی است که برای حفظ میزان بالای بازدهی محصول، ضروری به شمار می‌آیند. به همین ترتیب، به کارگیری روش‌های جدید آبیاری و بالا کشیدن آب از سفره‌های آب زیرزمینی، خطر خشکاندن سریع آنها را به دنبال دارد. احداث سدهای بزرگی مانند آسوان در مصر علاوه بر توسعه آبیاری، عوارض نافرخنده و ناگواری نیز به دنبال داشته است. همچنین شخمهای عمیق، ماشینی کردن عملیات زراعی و دست یازیدن به تک‌کشتی (به دلیل وابستگی کشاورزی به بازار) به فرسایش خاک منجر شده است.^(۱۵)

در انتخاب راهبردهای صنعتی شدن هم مشكلات جدی وجود دارد. توسعه صنعتی، حکومت‌ها و دولت‌های کشورهای در حال توسعه را اغلب ناگزیر به انتخاب میان سرمایه‌گذاری پولی و سرمایه‌گذاری کار می‌کند. انتخاب سرمایه‌گذاری پولی مستلزم بهره‌مندی از منابع مالی است که کشورهای یادشده اغلب فاقد آن هستند. بنابراین چاره‌ای جز روی آوردن به سرمایه‌های خارجی نخواهد بود. اما انتخاب این روش، به بهای استقراض بسیار سنگین و افزایش وابستگی بوده است.^(۱۶) انتخاب گزینه سرمایه‌گذاری کار، براساس استفاده از نیروی کار فراوان و ارزان قرار دارد. اما بخش بزرگی از کارگران در کشورهای در حال توسعه را روساییان مهاجر و بی‌سوادی تشکیل می‌دهند که برای کار صنعتی مناسب نیستند. نتیجه آنکه توسعه صنایع، موجب بروز عدم تعادل در کشور و میان گروه‌های اجتماعی شده است.

گسترش شگفت‌آور شهرنشینی و انفجار جمعیت، آشکارترین پی‌آمدهای زودهنگام

فرایند توسعه صنعتی و بهبود وضعیت کشاورزی بوده‌اند. برای جلوگیری از تکرار دانسته‌ها، به این نکته اشاره می‌شود که انفجار جمعیت و گسترش شهرها، موضوع ساماندهی به فضا را به طور بسیار جدی مطرح کرده است. نیاز به ساماندهی فضاهایی که به وسیله انسان‌ها به وجود می‌آیند، از فوری‌ترین نیازهای کشورهای در حال توسعه است. عدم تعادل‌های انسانی و اقتصادی، ناهمانگی‌های عظیم ناحیه‌ای پدید می‌آورد که فضاهای کمتر توسعه یافته بیشتر در معرض آن قرار دارند. نواحی شهری برخوردار از جلوه‌های اقتصاد مدرن و بهره‌مند از زیرساخت‌های تا حدودی پیش‌رفته، با ناحیه‌هایی با اقتصاد سنتی، روستایی و حاشیه‌ای، در تضاد آشکار هستند. این موضوع موجب تراکم بیش از حد در مناطق شهری و دارای امکانات رفاهی بیشتر شده است. نتیجه تشکیل این کلان‌شهرها، خالی شدن بخش‌هایی از فضا و تحمل فشار بی‌اندازه بر منابع شده است. بنابراین تلاش به‌منظور ایجاد شرایط مناسب برای توزیع متعدد جمعیت و ساماندهی به فضا، از اساسی‌ترین و فوری‌ترین نیازهای کشورهای در حال توسعه است.

در مورد کشورمان نیز می‌توان موارد و مسائل مشابه را ذکر کرد. به عنوان نمونه، ایران شاهد دو مرحله انفجار جمعیت بوده است؛ اولی در اوایل رژیم پیشین اتفاق افتاد و دومی در نخستین دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌وقوع پیوست. بنابراین بازترین ویژگی جمعیت در ایران، جوانی شدید جمعیت است.^(۱۷) این جمعیت، پراکنده‌گی ناهمگنی دارد. بخش اعظم جمعیت در باریکه مشرف به دریای مازندران، تهران و چند کلان‌شهر دیگر متتمرکز شده است. در مقابل، گستره وسیعی از مساحت ایران تقریباً خالی از سکنه می‌باشد. فرایند نوسازی ایران با گسترش صنعت و مدرنیزه کردن بخش کشاورزی و نظام آبیاری، احداث شبکه‌های راه‌های روستایی و برق‌رسانی به روستاهایی که پس از انقلاب اسلامی مورد تأکید قرار گرفت، در ادغام هرچه بیشتر روستاهایی در بازارهای ناحیه‌ای و ملی مؤثر بود.

از سوی دیگر، با افزایش جمعیت شهرها، تقاضا برای فراورده‌های کشاورزی فزونی گرفت و زمینه برای وابسته کردن روستاهایی به بازار و مناسبات کالایی فراهم شد.^(۱۸) احداث

سدها از لحاظ نظری مورد بررسی‌های متعدد قرار گرفته اما تأثیر آنها بر تغییر نگرش سیاسی و اجتماعی ساکنان منطقه بسیار کمتر بررسی شده است. به همین ترتیب، تأسیس مراکز آموزش عالی در اقصا نقاط کشور اگرچه بدون تردید به تعالی منطقه کمک کرده است، اما تأثیر آن بر فرهنگ عمومی و فرهنگ سیاسی بومیان، کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است. تأسیس راه‌آهن عظیم سرخس - بندرعباس از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی به همان ترتیب مورد بررسی دقیق قرار نگرفته است. این سیاهه را می‌توان همچنان طولانی کرد. ناهمانگی میان تحولات اقتصادی با رویکردهای سیاسی، ما را در برابر واقعیتی قرار می‌دهد که در آن فشار بیکاری و رشد اقتصاد غیررسمی افزایش می‌یابد. جوانان و بهویژه تحصیل کردگان جوان، دلرده از مشکلات فراینده، در پی پاسخ‌گویی به مشکلات خود از راه‌های نامتعارف هستند.

بنابراین بسیاری از دستاوردهای فرایند توسعه در کشورهای درحال توسعه، با ازهم گسیختگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همراه شده‌اند. افزایش جمعیت و شهرنشینی و همگانی شدن آموزش، انتظارات جدیدی به وجود آورده‌اند و منجر به پیدایش جوانانی شده‌اند که با والدین خود تفاوت‌های بنیادینی دارند. تقاضاهایی که از سوی توده‌های مردم مطرح می‌شوند، کاملاً در عرصه سیاست قابل پیگیری هستند. به همین دلیل اندیشمندان سیاسی میان بی‌ثباتی سیاسی و سطوحی از نوسازی، ارتباط برقرار کرده‌اند.^(۱۹) جمعیت ابوجه در کشورهای درحال توسعه، توده‌هایی متفعل و درمانده نیستند و در مواردی مشارکت سیاسی آنان بیشتر از شهروندان کشورهای توسعه‌یافته است. شهروندان کشورهای درحال توسعه در نبود سایر راه‌های مشارکت یا از طریق بسیج (یا به اصطلاح حامی - پیرو) وارد صحنه سیاست می‌شوند و یا به خشونت‌های سازمان‌نیافته کشانده می‌شوند.^(۲۰)

باید به این نکته اشاره کرد که دولتها و حکومت‌های کشورهای درحال توسعه یکسره خائن و یا فاقد تخصص‌های لازم برای سیاست‌گذاری نیستند؛ اما بی‌توجهی و یا کم توجهی آنان به سودمندی سیاست‌شناسی علمی و عدم بررسی محیط و حساسیت‌های محیطی، منجر به بروز برخی از مشکلاتی می‌شود که قابل پیشگیری هستند. بازیگران

سیاسی و تصمیم‌گیران این عرصه با اعتماد و اطمینان به متخصصان رشته‌های فنی و مهندسی و پژوهشی به اخذ تصمیم می‌پردازند. این شیوه (ضمن احترام به متخصص‌های مذکور و سودمندی آنها) منجر به شکل‌گیری و ادامه وضع موجود شده است. بنابراین پاسخ به این معضلات، نیازمند تربیت کسانی است که می‌توان آنها را «سیاست‌شناس مشاور» نامید.

ب - سیاست‌شناسی مشاوره‌ای

سیاست‌شناسی مشاوره‌ای، تلاشی است برای شناخت بهتر کنش‌های سیاسی افراد که نه تنها برای سهولت و سرعت در تصمیم‌گیری رهبران و مدیران در سطوح مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه علاوه‌بر آن، هدفش تطبیق نوآوری‌ها با احتیاجات افرادی است که به صورت مستقیم تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند. سیاست‌شناس مشاور تلاش می‌کند با شناخت واقعیت اجتماعی، در کلیت آن به تعریف روابط و نهادهای جدید نائل آید و با آگاهی از عقاید، رویه‌ها، نظام ارزشی، گروههای اجتماعی و... به بررسی کنش سیاسی پردازد. سیاست‌شناسی مشاوره‌ای می‌تواند در کلیه قلمروهای زندگی اجتماعی و اقتصادی (چه محیط روستایی و چه محیط شهری) به کار گرفته شود.

پیشتر هم اشاره شد که امروزه مفهوم «سیاست» بسیار گسترده‌تر از مفهوم «علم سیاست» است. در جوامع امروزی مسائلی با ماهیت اقتصادی - فرهنگی نیز در حوزه سیاست قرار می‌گیرند. رابرت دال با تلقی سیاست به عنوان یکی از حقایق اجتناب‌ناپذیر زندگی بشر، معتقد است که انسان‌ها همواره به نوعی با مسائل سیاسی درگیر هستند.^(۲۱) با این تعریف، مسائل مربوط به فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، علاوه‌بر مواردی همچون روابط میان قوای مجریه و مقننه، فعالیت‌های احزاب و گروههای سیاسی، مورد علاقه سیاست قرار دارد.

با توجه به این نکات، گروهی از سیاست‌شناسان میان «سیاست نظری» و «سیاست کاربردی» تفاوت قائل شده‌اند. اما این تفکیک مورد پذیرش عموم سیاست‌شناسان نیست؛

زیرا جدا کردن جنبه‌های نظری و عملی سیاست، کاری دشوار و بی‌نتیجه است.^(۳۲) اگر سیاست را «... رهبری صلح‌آمیز یا غیرصلح‌آمیز روابط میان افراد، گروه‌ها و احزاب (نیروهای اجتماعی) و کارهای حکومتی در داخل یک کشور و روابط میان یک دولت با دولت‌های دیگر در عرصه جهانی...»^(۳۳) بدانیم، آن‌گاه می‌توان از سیاست در سطح خرد و کلان بحث کرد. به عبارت دیگر، با این تعریف می‌توان سیاست را در تمام سطوحی که به زندگی و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی یک فرد، یک گروه، یک حزب و حکومت مربوط می‌شود، مورد بررسی قرار داد.

در اینجا وظیفه سیاست‌شناس عبارت خواهد بود از: شناخت کارکرد اصول و قواعد حاکم بر روابط اجتماعی و بین‌المللی. به این ترتیب هدف نهایی پژوهش‌ها و بررسی‌های سیاسی، شناخت پدیده‌های سیاسی (امر سیاسی) برای یاری‌رساندن به تصمیمات عملی خواهد بود که باید اتخاذ شود.^(۳۴) جامعه‌شناسی سیاسی نیز با بررسی اینکه مردم چگونه باورهای سیاسی خود را به دست می‌آورند؟ چگونه در سیاست درگیر می‌شوند؟ چگونه مقامات سیاسی به مناصب سیاسی دست می‌یابند؟ اطلاعات و اندیشه‌های سیاسی چگونه در درون جامعه و میان افراد انتقال می‌یابند و منتشر می‌شوند؟ در دو سطح کلان و خرد شناور باقی می‌ماند.^(۳۵)

دانشمندان سیاسی امریکا با محدود کردن حوزه پژوهشی خود، توانستند نتایج سودمندی در درک رفتار سیاسی مردم به دست آورند. مطالعه رابت دال درباره تصمیم‌گیری در نیو یون،^۱ مطالعه کرنسن،^۲ درباره آلدگی هوا به عنوان یک مسئله سیاسی در دو شهر ایالت ایندیانا یعنی ایست شیکاگو^۳ و گری،^۴ از جمله آثار اولیه در این زمینه به شمار می‌روند.^(۳۶) سیاست‌شناسی مشاوره‌ای در واقع عینیت بخشیدن به همین اهداف است. سیاست‌شناسی مشاوره‌ای پیوند میان بعد نظری و کاربردی، و ارتباط میان سطح خرد

1. New Haven

2. Crenson

3. East Chicago

4. Gary

و کلان سیاست را هدف قرار می‌دهد.

سیاست‌شناس مشاور ضرورتاً یک متخصص دانشگاهی نیست، بلکه فردی است که موقعیت و شرایط زمانی و مکانی را مورد مطالعه قرار می‌دهد و به مدیران در سطح خرد در رویارویی با تنشی‌های ناشی از محیط یاری می‌رساند. سیاست‌شناس مشاور پیونددهنده تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. سیاست‌شناسی مشاوره‌ای را می‌توان پرسش از امر سیاسی و معنا بخشنیدن به آن در عمل دانست. تعریف ارائه شده، آشکارا جنبه گرینشی دارد و احتمالاً با این انتقاد مواجه است که به علم سیاست، آن‌گونه که در دانشگاه‌های ایران وجود دارد، کم توجه است. انتقاد احتمالی دیگر شاید این‌گونه طرح شود که ارتباط اندکی با بازیگرانی دارد که سیاست را به وجود می‌آورند. اما ادعای ایجاد سیاست‌شناسی مشاوره‌ای، خود تداعی‌کننده وجود تأثیر عوامل اجتماعی بر امر سیاسی است؛ همچنین سیاست‌شناسی مشاوره‌ای برای خلق و افزایش سودمندی راهبردهای بازیگران سیاست ایجاد می‌شود. این حوزه در خارج از محیط دانشگاهی، بعد اجتماعی و نتایج احتمالی تصمیم‌های اتخاذ شده بازیگران سیاست را مورد بررسی و پژوهش کاربردی قرار می‌دهد. دغدغه اصلی سیاست‌شناس مشاور، امر سیاسی و یا به تعبیر دقیق‌تر، تغییر واقعیت موجود خواهد بود. سیاست‌شناسی مشاوره‌ای تبدیل فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد علوم سیاسی به محققانی حرفه‌ای است. این افراد حرفه‌ای آنچه را علم سیاست در بعد نظری فراهم می‌آورد، به محک تجربه می‌آزمایند.

سیاست‌شناس مشاور، تلاش می‌کند سازوکارهای پنهان و پیچیده اعمال قدرت اجتماعی را از طریق پژوهش‌های تجربی آشکار سازد. به این ترتیب، مسئله اصلی برای سیاست‌شناس مشاور، تحقیق تجربی در چگونگی تبدیل قدرت اجتماعی به قدرت سیاسی است. این همان کاری است که جامعه‌شناسی سیاسی در دانشگاه‌ها مورد تأکید قرارداده است.^(۳۷) به این ترتیب سیاست‌شناسی مشاوره‌ای، تحلیل دقیق وابستگی میان محیط و فرایند سیاسی است. به عنوان نمونه، از زمانی که کارل دویچ^۱ در مطالعه کلاسیک خود، «اعصاب

حکومت^۱ ارتباطات را در کانون درک سیاسی قرارداد،^(۲۸) تا به امروز ویژگی‌ها و ماهیت ارتباطات سیاسی برای شکل‌گیری و بیان افکار عمومی اهمیت اساسی دارد.^(۲۹) سیاست‌شناس مشاور با تأکید بر فرایند ارتباطات سیاسی، به بررسی موضوعاتی همچون انتخابات، گروه‌های سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ در محیط‌های کوچک و محلی می‌پردازد. سیاست‌شناس مشاور همچنین مسائل زیر را هم مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهد:

بهره‌برداری از منابع جدید نیرو و توسعه فناوری‌های جدید، چه نتایجی در زندگی اجتماعی داشته است و بازتاب آن بر درک سیاست چه بوده است؟ بررسی دورنمایی برنامه‌ریزی که مستقیماً با مسئله نخست در ارتباط است؛ توسعه شهرنشینی و موقعیت جدید افراد چه تغییراتی در بینش سیاسی آنان داشته است؟ مسئله ارتباطات و معاشرت در زندگی اجتماعی و چگونگی مشارکت‌جویی در امور و یا پرهیز از مشارکت؛ روابط میان فرهنگ ملی و خردۀ فرهنگ‌های محلی و روابط میان خردۀ فرهنگ‌ها چگونه است؟ قدرت در محدوده مورد نظر چگونه تقسیم شده است و چگونه اعمال می‌شود؟ تحول مناسبات میان فرد و جامعه و آزادی‌های فردی در محدوده مورد نظر چگونه است؟ اعتقادات، نظام‌های ارزشی و تصوراتی که افراد را به کنش و امیدارند کدام هستند؟

سیاست‌شناسی مشاوره‌ای، تلاشی است برای شناخت بهتر رفتار انسان‌ها که نه تنها برای سرعت و سهولت در تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه علاوه‌بر آن، هدفش تطبیق نوآوری‌ها با احتیاجات افرادی است که به صورت مستقیم تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند. سیاست‌شناس مشاور تلاش می‌کند با شناخت واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی، در کلیت آنها به تعریف جدیدی از امر سیاسی و فرایند سیاسی نایل آید و با آگاهی از عقاید، رویه‌ها، نظام ارزشی، گروه‌های اجتماعی و ... به شناخت رفتارهای احتمالی سیاسی دست یابد. سیاست‌شناسی مشاوره‌ای می‌تواند در کلیه قلمروهای زندگی اجتماعی و تصمیماتی که با اعضای یک سازمان، اداره، شهر و روستا ارتباط می‌یابد، به کار گرفته شود. سیاست‌شناس مشاور علاوه‌بر همه اینها، وظیفه برقراری ارتباط مستمر با

مجامع دانشگاهی و تحقیقاتی برای دسترسی و بهره‌گیری از دستاوردهای پژوهشی آنها را بر عهده دارد.

نتیجه‌گیری

در دنیای امروز، «سیاست» مفهومی بسیار گسترده‌تر از مفهوم «علم سیاست» دارد. آموزش سیاست در دانشگاه‌های ایران عموماً جنبه نظری دارد و به رغم دستاوردهای غیرقابل انکار، ضعف فارغ‌التحصیلان این رشته در حوزه پژوهش‌های کاربردی را به دنبال داشته، و سودمندی اجتماعی این دانش را آشکار نکرده است. برخلاف تصورات و انتظاراتی که آموزش دیدگان علم سیاست را شایسته عهده‌دارشدن مشاغل و مسئولیت‌های سیاسی می‌داند، کمتر مشاغل و مسئولیت‌های سیاسی به‌عهده این افراد گذاشته می‌شود. از سوی دیگر، فارغ‌التحصیلان رشته سیاست نیز در پیوند زدن آموخته‌های نظری خود با تجربه و سود بردن از آنها، آشکارا با مشکلاتی مواجه هستند. پیشنهاد درسی با عنوان «سیاست‌شناسی مشاوره‌ای»، تلاشی برای پیوند نظریه و تجربه در سیاست و برقراری ارتباط با تصمیم‌گیران و مجریان در سطوح مختلف است. در سیاست‌شناسی مشاوره‌ای، اگرچه پهنه جغرافیایی پژوهش به حوزه‌های محلی و کم‌وسعت در سطح کشور تقسیم می‌شود، اما توجه و تأکید بر هر دو سطح جامعه‌شناسی سیاسی کلان و خرد است. تردیدی نیست که مسائل موجود در سطح ملی، بر همه جوامع کوچک‌تر تأثیر می‌گذارند، همچنین مشکلات محلی و بومی نیز سیاست ملی را متأثر می‌سازند.

این درس، تکمیل‌کننده درس «نوسازی و دگرگونی سیاسی» خواهد بود و جنبه‌های سودمند آموزش سیاسی را در زندگی اجتماعی آشکار خواهد کرد. این درس در قالب درسی سه‌واحدی ارائه می‌شود که دو واحد آن عملی و پژوهش‌های موضوع محور خواهد بود و مهم‌ترین سرفصل‌های آن با عنوانین زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. رابطه سیاست و مدیریت در سطوح خرد و کلان؛

۲. رابطه سیاست و اقتصاد در سطوح خرد و کلان؛

۳. مبانی نظری سیاست‌شناسی مشاوره‌ای؛

۴. راهبردهای سیاست‌شناسی مشاوره‌ای؛

۵. رابطه چالش‌های ارزشی با فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی.

پی‌نوشت‌ها

۱. مایکل راش، (۱۳۳۷)، جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، (تهران: سمت)، صص ۵-۶.
۲. حسین سیفزاده، (۱۳۷۵)، نظریه‌های مختلف درباره راه‌های گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی، چاپ سوم، (تهران: قومس)، صص ۸۱-۸۶.
۳. سیفزاده، چاپ ساده، صص ۷۸-۸۹.
۴. فریدریش یوناس، (۱۳۸۷)، تاریخ جامعه‌شناسی، پی‌ایش و شکل‌گیری نظریه‌های نوین، ترجمه عبدالرضا نواح، (اهواز: نشر رسش)، صص ۲۷۵-۳۰۹.
۵. ماکس ویر، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری، مهرداد ترابی‌نژاد و مصطفی عمادزاده، (تهران: مولی)، صص ۳-۲۸.
۶. سید صادق حقیقت، (۱۳۸۵)، روش‌شناسی علوم سیاسی، (قم: انتشارات دانشگاه مفید)، ص ۲۰.
۷. حسین بشیریه، (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چاپ چهارم، (تهران: نشرنی)، صص ۱۰۹-۱۱۱.
۸. عباس منوچهری، (۱۳۸۷)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، (تهران: سمت)، و حقیقت، پیشین.
۹. ساموئل هاتینگتون، (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، (تهران: نشرعلم)، صص ۵-۱۷.
۱۰. ساعی، احمد، درآمدی بر شناخت مسائل اقتصادی - سیاسی جهان سوم، سیاست، قدرت، و نابرابری، چاپ دوم، (تهران: قومس)، ۱۳۷۵، صص ۱۱-۱۲.
۱۱. نوریا بادیا لوراس، وضعیت جهان سوم در آستانه عصری نو، ترجمه سیروس سهامی و فروزان خزانی، (تهران: چاپخش)، ۱۳۸۵، صص ۲۴-۲۵.
۱۲. ساعی، ص ۱۱۶.
۱۳. نوریابادیا، ص ۲۵۳.
۱۴. احمد ساعی، (۱۳۷۹)، مسائل سیاسی - اقتصادی جهان سوم، چاپ سوم، (تهران: سمت)، ص ۱۲۵.
۱۵. نوریابادیا، صص ۱۷۷-۲۴۲.
۱۶. ساعی، (۱۳۷۹)، صص ۱۴۹-۱۶۰.
۱۷. نوریابادیا، ص ۴۷۶.
۱۸. همان، صص ۴۷۸-۴۷۹.
۱۹. ساعی، (۱۳۷۵)، صص ۱۸۲-۱۸۶.
۲۰. همان، ص ۲۰۶.
۲۱. رابت دال، (۱۳۶۴)، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین مظفریان، (تهران: نشر رابرت دال).

-
- مترجم)، ص ۱.
۲۲. عبدالرحمن عالم، (۱۳۸۰)، بنیادهای علم سیاست، چاپ هفتم، (تهران: نشرنی)، صص
۲۵-۲۶.
۲۳. پیشین، ص ۳۰.
۲۴. عالم، ص ۳۳.
۲۵. بشیریه، (۱۳۷۷)، صص ۹۷-۹۸.
۲۶. راش، ۵۲.
۲۷. بشیریه، (۱۳۷۷)، ص ۹۶.
۲۸. راش، ص ۱۷۱.
۲۹. پیشین، ص ۱۸۳.